

# انوشیروان و مزدک

تحلیلی از عباس پورگرامی

حکیم ابولقاسم فردوسی، ابر مرد بی بدیل ادب ایران، پادشاهی قباد و ظهور و غروب مزدک را با دقت و مهارت بسیار، سروده و برای پارسی زبانان به یادگار گذاشته است. این حماسه حکایتی است از پیدایش مزدک، پیروی قباد از این او مخالفت انوشیروان با مزدک، عدم حمایت قباد از مزدک، و کشتن مزدک و مزدکیان به دستور انوشیروان

مزدک بعنوان یک مصلح اجتماعی-اقتصادی، این خود را که تلفیقی از آموزشهای زرتشت و مانی است را به قباد عرضه می کند. اصول این او تساوی ثروت و تک همسری است. مزدک معتقد است که اشراف و روحانیان با انباشتن ثروت و تعدد زوجات مسبب ایجاد فقر مالی و محرومیت جنسی در جامعه شده اند. از این رو، تقسیم عادلانه ثروت و همسر موجب رفاه عمومی می شود

بیامد یکی مرد مزدک به نام  
سخن گوی با دانش و رای و کام

نباید که باشد کسی بر فزود  
توانگر بود تار و درویش بود

زن و خانه چیز بخشیدنی ست  
تهی دست کس با توانگر یکی ست

من این را کنم راست با دین پاک  
شود ویژه پیدا بلند از مغاک

به اعتقاد مزدک، با اجرای این اصول احساسات آرز، نیاز، رشک، خشم و کین ریشه کن می شود. قباد که قدرت و نفوذش توسط اشراف و روحانیان کاهش یافته، این مزدک را پذیرا می شود و با توافق به توزیع گندم انبار شده به قحطی ناشی از سالها خشکسالی خاتمه می دهد

چو بشنید در دین او شد قباد  
ز گیتی به گفتار او بود شاد

بپیچاند از راستی پنج چیز  
که دانا برین پنج نفزود نیز

کجا رشک و کین ست و خشم و نیاز  
به پنجم که گردد برو چیره آرز

دویدند هر کس که بد گرسنه  
به تاراج گندم شدند از بنه

افزایش نفوذ مزدک در دربار قباد و گرایش عوام به کیش او موجب نگرانی بزرگان و موبدان می گردد. بخصوص که مزدکیان نیروی مضاعف یافته و شمارشان به صدهزار نفر می رسد. خسرو انوشیروان (کسری نوشین روان) که از مخالفان سرسخت

مزدک است نگرانی خود را در مورد نفوذ مزدک با قباد در میان می گذارد. مزدک بتوسط قباد از انوشیروان می خواهد که از دین بھی به ایین مزدکی بگراید. انوشیروان برای این تصمیم پنج ماه مهلت می طلبد

به گفتار مزدک همه گز گشت  
سخن هاش ز اندازه اندر گذشت

به دشت امد از مزدکی صدهزار  
برفتند شادان بر شهریار

چنین گفت مزدک که او راه راست  
نهانی ندارد نه بر دین ماست

هم انکه ز کسری پرسید شاه  
که از دین به بگذری نیست راه

ورا گفت کسری زمان پنج ماه  
ششم را همه باز گویم به شاه

او بعد از پنج ماه تحقیق و امادگی، در مناظره ای که بین مزدک و موبدان زرتشتی ترتیب می دهد مزدک را شکست داده و عقاید او را برای ایرانیان خائمانسوز می خواند. انوشیروان اصول مزدکیه را ویرانگر نظم جامعه و مخرب بنیاد خانواده اعلام می کند. در نتیجه قباد از مزدک روی بر می گرداند و تکلیف سرنوشت مزدکیان را به ولیعهد خود می سپارد

یکی دین نو ساختی پر زیان  
نهادی زن و خواسته در میان

چه داند پسر که ش که باشد پدر  
پدر همچنین چون شناسد پسر

که باشد که جوید در کهتری  
چگونه توان ساختن مهتری

جهان زین سخن پاک ویران شود  
نباید که این بد به ایران شود

به کسری سپردش هم انگاه شاه  
ابا هرک او داشت ان دین و راه

انوشیروان به سپاهیان دستور می دهد که در باغی بزرگ گودال هایی عمیق حفر کنند. او سه هزار نفر از مزدکیان را در گروه های سی نفری به باغ می فرستد. با رسیدن هر مزدکی، سربازان او را از سر درون گودال کرده و دهانه گودال را با خاک پر می کنند. در پایان، انوشیروان مزدک را برای دیدار از باغ دعوت می کند. با دیدن درختان انسانی، مزدک از هوش می رود. به فرمان انوشیروان، مزدک را وارانه به دار اویخته و تیرباران می کنند. با قتل مزدک و حذف پیروانش، انوشیروان به گسترش مزدکیه خاتمه می دهد. با وفات قباد، انوشیروان بعنوان بیست و دومین پادشاه ساسانی تاج گذاری می کند

به درگاه کسری یکی باغ بود  
که دیوار او برتر از راغ بود

بکشتندشان هم بسان درخت  
زیر پای و زیرش سر آکنده سخت

نگون بخت را زنده بر دار کرد  
سر مرد بی دین نگوئسار کرد

بزرگان شدند ایمن از خواسته  
زن و زاده و باغ اراسته

به کسری سپردم سزاور تخت  
پس از مرگ ما او بود نیک بخت

ایا انوشیروان انطور که از او یاد می شود پادشاه دادگری بود؟ ایا با قتل مزدک و کشتار مزدکیان می توان انوشیروان را عادل لقب داد؟ هدف انوشیروان از این کشتار عقیدتی چه بود؟ چه اصلاحاتی انوشیروان در دوران پادشاهی انجام داد که موجب دادگر نامیدن او شد؟

انوشیروان آگاه بود که مزدکیان بیاری سربازان قباد به منازل ثروتمندان یورش برده تا اموال آنها را به نفع مستمندان و زنان آنها را برای مجردان مصادره کنند. موج نارضایتی از غارت و خشونت در جامعه ای که انوشیروان برای رهبریش آماده می شد قابل قبول نبود و باید اصلاح می شد. او می خواست که کشور را از جنگ و نزاع جهت مصادره املاک، ثروت و بانوان نجات بخشد. با احیای نظام سرمایه داری ساسانی در تقابل با مرام اشتراکی مزدکی، انوشیروان می خواست ایران را از غرق شدن در گرداب اشوب و خشونت رهایی بخشد. او راه رسیدن به امنیت و آبادی که اجداد ایران سازش شاهپور و بهرام برقرار کرده بودند را شکست ایمن مزدکیه می دانست که متاسفانه هزینه ان خونریزی و کشتار بود

لقب دادگر برخاسته از اصلاحات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، و نظامی بود که انوشیروان در زمان پادشاهی به اجرا گذاشت. او کشور را به چهار منطقه تقسیم کرد و هر منطقه را تحت نظارت یک سپهبد گذارد که وظیفه هر کدام آبادانی شهر و روستا و مبارزه با فقر و ستم بود. انوشیروان زمین های غصب شده را به مالکان اصلی پس داد، همسران ربوده شده را به شوهرانشان بازگرداند، و زنان بی شوهر و کودکان بی خانمان را سرپرستی نمود. انوشیروان به نفع مردم، اصلاحات دادخواهی و معافیت های مالیاتی مقرر کرد. او به ارتشیان حقوق پرداخته و برایشان وسایل جنگی مدرن تهیه نمود و با دریافت غرامت با روم پیمان صلح امضا کرد

انوشیروان با مطالعه عقاید افلاطون مهر و محبت را در جامعه ترویج نمود و با یونان، هند، روم و چین روابط فرهنگی سودمندی برقرار کرد. از دیگر کارهای برجسته او آوردن شطرنج، کلیله و دمنه و پزشکی از هندوستان، تاسیس بیمارستان گندی شاهپور، و احداث (یا باز سازی) طاق کسری بود. انوشیروان ایوان مداین را بروی دادخوان و شاکیان گشود تا مطمئن شود از جانب دولتمدندان و سپاهیان بر مردم ستم روا نشود. او به چهار گوشه ایران زمین سفر می کرد تا هر ناروایی و تعرض نسبت به دهقانان و کارگران را سرکوب کرده، آبادی کشور و رفاه مردم را فراهم کند

علیرغم تصویه بیرحمانه مزدکیان، فردوسی انوشیروان را پادشاهی دادگر می یابد

اگر شاه با داد و بخشایش ست  
جهان پرز خوبی و اسایش ست

نبد دادگر تر ز نوشین روان  
که بادا همیشه روانش جوان

همه روی گیتی پر از داد کرد  
بهر جای ویرانی اباد کرد

چنین بود ان شاه خسرو نژاد  
بیاراسته بد جهان را به داد

جهاندار کسری چو خورشید بود  
جهان را از او بیم و امید بود